

کسی بزر باشد در معاوضه ضعیف نباشد و لیکن این نسبت  
متصل نیست کما علم من تعریف الفصل اما در قسم سیم نسبت  
دو نسبت هندسی واقع شود چنانچه کوی نسبت این نسبت  
بابت خویش همچون نسبت شخصی دیگر است بابت خود  
اگر از ضعیف و ضری بشخص اول رسد بهین نسبت تکالیف  
او باید داد تا عدالت مرجع باشد و با بجز حفظ اعتدال در میان  
چون در اکت و وسط حاصل نشود و چون در اکت و وسط چنانچه  
سابقه ایامی بان رفت در غایت صعوبت و اشکال است  
پس رجوع بکیران کشته فی الهی باید نمود چه جمع وحدت  
حضرت حق است تعالی و تقدس و چون انسان در  
الطبع است و تمیض او در جمادات و مشار که صورت  
نیز در مشار که معاد ضروریست مثل الکونیا لایزال  
بزرگانان بزرگ و بزرگ از برای او در اجتهت و کثرت مایه  
و بزرگ از برای استاج جار و استاج از برای اوست کثرت

بنا القیاس و نسبت امور مختلفه المیه سیکه یکری توسط امری و  
و جدائی که محک اعتبار عیار برود و طریقت تواند بود نظم شود  
پس بنا برین حاجت توسط دینار حاصل شود و آن بنا  
عادل توسط خویشند لیکن صامت است و احتیاج عیال  
ناطبق دارد که آن پادشاه است پس حضرت پادشاه  
برگزید و تأیید او بشمشیر فرمود تا اگر کسی بعد از او دینار تقا  
نشود و زیادت از حق خود طلبد پای از جاوه استقامت  
بدون نمد شمشیر قاطع او را سر بر آه سازد پس حفظ  
عدالت بجز صورت بند و یکی مشرقه مقدسه الهی دوم  
پادشاه عادل سیم و بیار چنانچه حکم گفته اند ناموس  
اگر شریعت و ناموس دوم سلطان است که تابع شریعت  
چون آئین و الملک و امان سیم دینار است و ناموس  
در لغت ایشان پذیر سیاست است پس شریعت که ناموس  
اول است اقتدا با وی باید کرد و ناموس سیم را که دینار است